

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عوامل در علم نحو:

(شرح منظومه «العوامل في النحو» جرجانی)

مؤلف:

مجتبی بختیاری

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: بختیاری، مجتبی، ۱۳۷۴ -
عنوان قراردادی	: العوامل فی النحو . فارسی . شرح
عنوان و نام پدیدآور	: عوامل در علم نحو: شرح منظومه «العوامل فی النحو» جرجانی / مؤلف مجتبی بختیاری.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۳۹-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا	
یادداشت	: کتاب حاضر شرحی بر کتاب «العوامل فی النحو» تالیف جرجانی است.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۴۴.
موضوع	: جرجانی، عبدالقاهرین عبدالرحمن، - ۴۷۱ق. . العوامل فی النحو -- نقد و تفسیر
موضوع	: زبان عربی -- نحو
موضوع	: زبان عربی -- واژه‌های نقش‌نما
موضوع	: Arabic language -- Function words
شناسه افزوده	: جرجانی، عبدالقاهرین عبدالرحمن، - ۴۷۱ق. . العوامل فی النحو. شرح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۱۳۲۲۲۲۹۰۴ع/ج۴/۱۵۱/۶۱ PJ
رده بندی دیویی	: ۴۹۲/۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۵۳۴۲۷

نام کتاب	: عوامل در علم نحو: (شرح منظومه «العوامل فی النحو» جرجانی)
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: مجتبی بختیاری
ویراستار علمی	: امیر حسین حدیدی
نوبت و سال چاپ	: دوم - ۱۳۹۹
شمارگان	: ۵۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۳۹-۴
قیمت	: ۷۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

- تاریخچه علم نحو..... ۷
- زندگینامه عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۴ ه ق)..... ۸
- پیشگفتار..... ۱۲
- منظومه عوامل نحو جرجانی..... ۱۴
- مروری اجمالی بر عوامل صدگانه..... ۱۸
- باب ۱: علم صرف و علم نحو..... ۲۰
- باب ۲: معرب و مبنی..... ۲۴
- مبنی..... ۲۴
- ضمائر..... ۲۴
- اسماء اشاره..... ۲۹
- اسم موصول..... ۳۲
- اسماء شرط..... ۳۴
- اسم استفهام..... ۳۵
- ظروف مبنی..... ۳۷
- الفاظ کنایات..... ۳۹
- اسم فعل..... ۴۰
- معرب..... ۴۱
- منصرف - غیر منصرف..... ۴۱
- کلمه..... ۴۲
- باب ۳: حروف جر..... ۴۷
- حرف جر «باء [بِ]»..... ۵۳
- حرف جر «تاء [تَ]»..... ۵۶
- حرف جر «کاف [کِ]»..... ۵۷
- حرف جر «لام [لِ]»..... ۵۷
- حرف جر «واو»..... ۵۸
- حرف جر «مُنْدُ» و «مُدُّ»..... ۶۰
- حروف جر «خَالًا»، «خَاشًا»، «عَدَا»..... ۶۰

- حرف جر «رُبَّ» ٦١
- حرف جر «مِنْ» ٦٣
- حرف جر «فِي» ٦٤
- حرف جر «عَنْ» ٦٥
- حرف جر «عَلَى» ٦٧
- حرف جر «حَتَّى» ٦٨
- حرف جر «إِلَى» ٦٩
- باب ٤: حروف مشبهة بالفعل** ٧١
- حروف مشبهة بالفعل «إِنَّ» و «أَنَّ» ٧٢
- حرف مشبهة بالفعل «كَأَنَّ» ٧٤
- حروف مشبهة بالفعل «لَيْتَ، لَكِنَّ، لَعَلَّ» ٧٤
- حروف مشبهة بالفعل «شبيهه به ليس» ٧٥
- باب ٥: حروف ناصب اسم** ٧٨
- مستثنى ٧٨
- منادى ٧٩
- باب ٦: حروف ناصب بالذات** ٨٢
- حرف ناصب «أَنَّ» ٨٢
- حرف ناصب «لَنْ» ٨٤
- حرف ناصب «كَيَّ» ٨٤
- حرف ناصب «أَذَنْ» ٨٦
- باب ٧: حروف جزم** ٨٨
- عوامل جازم يك فعل ٨٨
- عوامل جازم دو فعل ٨٩
- باب ٨: اسما جزم** ٩٢
- باب ٩: تمييز (١)** ٩٣
- تمييز نسبت ٩٤
- تمييز ذات (مفرد) ٩٤

باب ۱۰: تمییز عدد (۲)	۹۵
باب ۱۱: تمییز (۳)	۹۶
تمییز «كَمْ، كَأَيِّنْ، كَذَا»	۹۶
باب ۱۲: اسم فعل	۹۸
باب ۱۳: افعال ناقصه	۱۰۲
باب ۱۴: افعال مقاربه	۱۰۶
باب ۱۵: افعال مدح و ذم	۱۰۹
باب ۱۶: افعال قلوب	۱۱۱
باب ۱۷: اسم فاعل، اسم مفعول، مضاف	۱۱۶
اسم فاعل	۱۱۶
اسم مفعول	۱۱۸
مضاف	۱۱۸
فعل	۱۲۵
ثلاثی و رباعی	۱۳۱
لازم و متعدی	۱۳۶
معلوم و مجهول	۱۳۸
باب ۱۸: صفت مشبیهه	۱۴۰
باب ۱۹: عامل لفظی و معنوی	۱۴۲
منابع	۱۴۴

تاریخچه علم نحو

در تاریخ پیدایش نحو آمده است که پس از فتوحات اسلامی، قبائلی در حوزه زبان فصیح عربی قرار گرفتند که با زبان گویشی خود در فصاحت زبان عربی لغزش ایجاد کردند و لحن (عدم صحت اعراب در اواخر کلمات و الفاظ) را پدید آوردند و این وضع تا زمان امام علی علیه السلام رواج داشت تا آنکه ابوالأسود دؤلی از یاران آن امام بزرگوار علیه السلام ایشان را از این خطر زبانی آگاه ساخت. زیرا با ورود لحن، اشعار شاعران نامدار عرب به غلط خوانده می‌شد و طبیعی بود که قرآن نیز به اشتباه تلاوت می‌گردید که موجب ظهور اختلافات اعتقادی و مذهبی می‌شد. در نتیجه «امام علی علیه السلام به ابوالاسود دؤلی فرمود تا اساس نحو را بنهد. چنان که خود گفته است: «من حدود نحو را از امام علی علیه السلام اخذ نموده‌ام». و مورخان عموماً اتفاق دارند که ابوالاسود دؤلی متوفی به سال ۶۹ هجری علم نحو عربی را وضع کرده است، وی از بزرگان تابعین و از صحابه حضرت امیر بوده و در جنگ صفین التزام رکاب آن حضرت را داشته است. پس از آن به بصره آمده و در آنجا زبان سریانی آموخته و قواعد نحو آن را فرا گرفت. یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که پیش از نحو پردازی ابوالأسود دؤلی، کتاب خدا بدون اعراب و نقطه گذاری (علائم و نشانه های علم نحو) بود.

ابوالأسود ابتدا علم نحو را وضع کرد، پس از او مردمانی از کوفه و بصره کار او را تعقیب کردند، نخستین کسی که از ابوالأسود علم نحو را فرا گرفته و به تکمیل آن پرداخت «عَنْبَسَه بن مَعْدَان مَهْرِي» بود، سپس «مِيمُون أَقْرَن» و «عَبْدَاللَّهِ حَضْرَمِي» و «عِيسِي بن عمر» و «خَلِيل بن احمد» (امام علم عروض و لغت) و «سَبِيويه» (امام علم نحو) به ترتیب علم نحو را از یکدیگر اقتباس کرده آنرا کامل ساختند و مطابق قانون طبیعی، تکامل علم نحو ترقی کرد و کتاب های مفصلی در آن موضوع تألیف شد. اما سَبِيويه (متوفی به سال ۱۸۰) آن را کامل ساخت و کتاب مشهور خود موسوم به «الکتاب» را در علم نحو تألیف نمود به طوری که سایر کتب نحوی که بعداً تألیف شد به طور کلی اقتباس از کتاب سَبِيويه و کتاب «العین» بود. شهرت و اهمیت کتاب سَبِيويه تا آنجا رسید که هر وقت مردم (کتاب) می‌گفتند مقصودشان کتاب نحو سَبِيويه بود و آن را مانند بهترین تحفه به یکدیگر هدیه می‌دادند.

زندگینامه عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۴ ه.ق)

مؤسس و نظریه پرداز بلاغت

عبدالقاهر بن عبدالرحمان ابوبکر، ادیب، نحوی، مؤسس و نظریه پرداز بلاغت در سده پنجم هستند.

تاریخ ولادت او معلوم نیست.

جرجانی پیرو فقه شافعی و در کلام، اشعری بود.

در برخی منابع، نام وی عبدالقادر آمده و نام پدرش عبدالواحد ذکر شده است. به تصریح بسیاری از منابع، خانواده جرجانی ایرانی بودند و عبدالقاهر در جرجان زاده شد. جرجانی در زادگاهش نزد ابوالحسین محمدبن حسن فارسی، خواهرزاده ابوعلی فارسی، نحو آموخت.

یاقوت حموی از قاضی ابوالحسن علی بن عبدالعزیز جرجانی نیز به عنوان استاد عبدالقاهر نام برده، ولی در جای دیگر گفته که ابوالحسین فارسی تنها استاد جرجانی بوده است. بسیاری از شرح حال نگاران تصریح کرده اند که عبدالقاهر، جرجان را، حتی برای دانش اندوزی، ترک نگفته و این از نکات شگفت زندگی اوست.

جرجانی را با القاب و صفاتی همچون امام در نحو و ادب، شیخ زبان عربی، مؤسس علم معانی و بیان، علامه و دارای تألیفات سودمند، فقیه، متکلم، دیندار، قانع و آرام ستوده اند. جرجانی، پس از استادش، ابوالحسین فارسی، در جرجان به تدریس پرداخت و بسیاری از طالبان علم برای یادگیری نحو و علوم ادبی و درک محضر او به آنجا شتافتند. از جمله شاگردان جرجانی، احمد بن عبدالله مهابادی، ابوالحسن علی بن محمد فصیحی، فضل بن اسماعیل تمیمی، محمد بن احمد ابیوردی، احمد بن ابراهیم شجری و خطیب تبریزی بودند. وی به عربی شعر می سرود و به گفته فیروز آبادی اشعار فراوانی داشت. حدود صد بیت از سروده های او باخرزی و ابن شاکر نقل کرده اند. بسیاری از سروده های او در شکایت از احوال زمانه و برخی نیز در مدح اشخاص بوده است. از جمله در مدح خواجه نظام الملک طوسی، وزیر سلجوقیان.

درباره تاریخ وفات وی اختلاف نظر هست؛ ابن شاکر کتبی و زیدان و فروخ، تاریخ درگذشت او را ۴۷۱ ه.ق آورده اند و اسماعیل پاشا بغدادی نیز سال ۴۷۴ ه.ق را ذکر کرده و در دیگر منابع هر دو تاریخ آمده است.

دانشمندان مسلمان از سده دوم برای اثبات اعجاز قرآن به تدوین علوم بلاغی

پرداختند و عبدالقاهر جرجانی نیز برخی آثار خود را در همین زمینه تألیف کرد. وی، بر خلاف کسانی که بلاغت را بیشتر در لفظ می‌دانستند و به آن بها می‌دادند از جمله جاحظ، قدامه بن جعفر و قاضی جرجانی یا آنان که جلوه بلاغت را بیشتر در معنی می‌دیدند مانند ابو عمرو شیبانی و حسن بن بشر آمدی، نظریه جدیدی عرضه کرد. وی با نقد دقیق نظریه هر دو گروه دیدگاه خود را، که به نظم و تلاؤم شهره گشت، مطرح کرد.

به نظر جرجانی، یک کلمه مادام که در گروهی از کلمات مرتبط با یکدیگر واقع نشده باشد، خالی از هرگونه اهمیت و مفهوم است.

پیوند میان علم نحو و معانی نیز در آثار جرجانی مطرح گشته است. به تعبیر وی، «علم معانی النحو» یعنی یافتن بهترین روابط نحوی در میان کلماتی که برای ادای مقصود بیان می‌شود؛ به بیان دیگر، علم معانی نحو، آگاهی شاعر و ادیب از کاربردهای نحوی زبان است و اینکه هر ساختاری در چه حالتی، چه نقشی می‌تواند داشته باشد. از دیگر اندیشه‌های ابتکاری جرجانی، نشان دادن ارتباط میان ساختار اندیشه و ساختار زبان بود. وی انتظام بین لفظ و معنی را انعکاس نظم ذهنی می‌شمرد.

جرجانی بر محققان پس از خود تأثیر جدی گذاشت. فخررازی کتابش را بر اساس دو کتاب جرجانی، یعنی دلائل الاعجاز و اسرار البلاغه، اما با تقسیم‌بندی جدید تألیف کرد.

سکاک با تکیه بر آرای جرجانی و دیگر دانشمندان بلاغت، کتاب مفتاح العلوم را تألیف کرد و در بخش سوم آن، در باره معانی و بیان جداگانه بحث نمود. یحیی بن حمزه علوی نیز جرجانی را مؤسس قواعد علم بلاغت دانسته است. سعدالدین تفتازانی در مقدمه کتاب المطول فی شرح تلخیص المفتاح، بیان کرده که نهایت توان خود را در مطالعه دو کتاب جرجانی به کار گرفته است.

برخی گفته‌های جرجانی به کتابهای تفسیر نیز راه یافته است. زَمَخْشَری نخستین مفسری است که به پیروی از اندیشه‌های جرجانی، به تفسیر بلاغی آیات قرآن پرداخته است. آرای جرجانی در شعر و ادبیات فارسی نیز مؤثر بوده است. خاقانی شروانی در بیت، ترکیب «نظم قرآن» را آورده است. حافظ به واسطه کشف زمخشری، به طور غیرمستقیم، با آرای عبدالقاهر جرجانی آشنا شده و رمز و رازهای قرآن را آموخته و این رمز دلپستگی حافظ به «کشف کشف» است و حافظ که اوج هنر خود را «نظم» خوانده احتمالاً توجه خود را به ترکیب و ساخت در هنر نشان داده است.

آثار جرجانی

۱. اسرار البلاغه، مشتمل بر مطالبی از قبیل تشبیه و استعاره، که بعدها نام علم بیان به خود گرفت.

۲. دلائل الاعجاز، مشتمل بر مباحثی از قبیل فصل و وصل و قصر و اختصاص، که بعدها نام علم معانی به خود گرفت. جرجانی را، به سبب تألیف این دو کتاب، بنیانگذار دو علم معانی و بیان دانسته‌اند. هر چند سکاکی در سده هفتم این دو علم را معانی و بیان نامید، ولی اصول کلی آن را جرجانی پایه‌ریزی کرد.

۳. الرساله الشافیه، در باره اعجاز قرآن. جرجانی در این کتاب به مبحث تَحَدّی قرآن و ناتوانی مردم عرب در معارضه با قرآن پرداخته و اعجاز قرآن را در نظم آن دانسته است. او در مخالفت با نظریه صرفه^۱ در اعجاز قرآن سخن گفته است. این رساله به همراه دو رساله دیگر در اعجاز قرآن از خطّابی (متوفی ۳۸۸) و رُمّانی (متوفی ۳۸۶) در مصر به چاپ رسیده است. برخی بر آن‌اند که این رساله، بخشی از دلائل الاعجاز بوده و کتاب مستقلی نیست.

۴. العُمدَه، در باره تصریف. ابن قاضی شهبه، نام آن را العُمد آورده و کتاب نیز با عنوان العُمد به چاپ رسیده است؛ ولی، در برخی منابع کهن، نام آن العُمده آمده است. این کتاب دارای مباحث معمول در کتابهای صرفی است و جرجانی بحث جالبی درباره مخارج حروف آورده است.

۵. المغنی، شرح مبسوطی بوده است در سی مجلد بر الايضاح ابوعلی فارسی.

۶. المُقْتَصِد، تلخیصی است که عبدالقاهر جرجانی از کتاب پیشین خود، المغنی، انجام داده است. نام کتاب را المُقْتَصَب نیز آورده‌اند. برخی المقتصد را شرحی مستقل بر الايضاح دانسته‌اند. جرجانی در این کتاب از استاد خود، ابوالحسین فارسی، مطالب بسیاری نقل کرده است. محقق کتاب، کاظم حراالمرجان، سال تألیف آن را ۴۵۲ ه.ق دانسته است. ابن قاضی شهبه، نیز نام آن را الاقتصاد آورده است. برخی ویژگیهای این کتاب عبارت است از: استشهاد به آیات قرآن، استشهاد فراوان به اشعار عربی، استدلال به گفته‌های سبویه در کتاب، توجه به اختلاف قرائت‌های آیات قرآن و تأثیر آن در

۱- نظریه صرفه از مباحث اعجاز قرآن است. به بیان این مطلب می‌پردازد که خداوند مخلوقات (جن و انس) را بازمی‌دارد و مانع می‌شود که معجزه‌های مانند قرآن بیاورند.

مسائل نحوی، آوردن مطالب تاریخی در ضمن مباحث کتاب، تحلیل نحوی احادیث، استفاده از مَثَل‌ها، به‌کارگیری برخی اصطلاحات، مانند ضمیر «امر» به جای ضمیر «شأن» و «قصه».

۷. الایجاز، تلخیصی است از کتاب الایضاح فارسی.

۸. التکمله، که شاید مستدرک الایضاح بوده است.

۹. التذکره، به گفته قفطی این کتاب در باره موضوعات گوناگون و پراکنده بوده است

۱۰. المفتاح، مشتمل است بر مباحث علم صرف، در دوازده باب. جرجانی در این کتاب چند اصطلاح جدید به‌کار برده است، از جمله اطلاق «مطابق» بر فعل مضاعف؛ به‌کارگیری اصطلاح ذوالثلاثه برای فعل اجوف، که در ساختار متکلم وحده ماضی سه حرفی می‌باشد، مانند قُلْتُ؛ اطلاق ذوالاربعه بر فعل ناقص، که در ساختار متکلم وحده ماضی چهار حرفی می‌باشد، مانند دَعَوْتُ.

۱۱. الجمل، در علم نحو. در قدیم‌ترین منابع در باره جرجانی، نام این کتاب آمده است. حاجی خلیفه نام آن را جرجانیه نیز ضبط کرده است. شرح‌های بسیاری بر این کتاب نوشته شده است. قدیم‌ترین شارح آن ابومحمد عبدالله بن محمد بَطْلَبُوسِی (متوفی ۵۲۱) بوده است. این کتاب را شرح کتاب دیگر جرجانی، العوامل المائه، دانسته‌اند. الجمل در پنج فصل تنظیم شده، فصل اول آن به مقدمات اختصاص یافته و سه فصل آن درباره عوامل (فعل‌ها، حرف‌ها و اسم‌ها) است و فصل پنجم کتاب درباره مسائل گوناگون نحو، مانند اقسام جمله، است.

۱۲. التلخیص، شرح کتاب الجمل است.

پيشگفتار

بسم الله مجريها ومرسيها

الحمد لله الذي جعلنا من المسلمين، و علمنا برسوله شرائع الدين، و الصلاة و السلام على خير خلقه محمد سيد المرسلين، و أهل بيته المطهرين الذين أذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا.

زبان عربى زبان دين اسلام و بخش عظيمى از فرهنگ اسلامى را تشكيل مى دهد. با اندک آشنائى با زبان عربى به حکم آيه «و هذا لسان عربى مبين» به دقيق بودن و ژرفاى اين زبان پى برده مى شود. شايد به اين دليل است که عربى يکى از زبان هاى زنده دنيا در عصر حاضر نيز مى باشد؛ که خود نيز شاخه هاى متعددى چون صرف، نحو، معانى، بيان، بديع را دارا است. در هر شاخه از اين زبان کتب مرجعى وجود دارند مانند آن که در شاخه نحو کتاب البهجة المرضية معروف به سيوطى در سطحعالى و کتب صمديه و الهدايه در سطح مقدماتى در حوزه علميه مورد درس و بحث قرار مى گيرند. از جمله کتاب هاى که قواعد نحو را به صورت موجز و مختصر در قالب نظم شعرى بيان کرده، منظومه «العوامل فى النحو» عبدالقاهر جرجانى (م ۴۷۴ ه ق) است. اختصار مطالب از يک طرف و منظوم بودن آن از سوى ديگر بر ارزش اثر افزوده و امر را براى طلاب علوم دينى و دانشجويان تسهيل کرده است.

اما با توجه به نياز شعر به تفسير و تبين، در کتاب حاضر، در مقام تشریح ابیات آن اثر هستيم تا امر تفهيم مطالب و تثبيت قواعد مذکور بر طالبان آسان گردد. همچنين با دسته بندى هر مطلب و تبين هر مسأله با مثال و بيانى رسا سعى در توضیح کافى ابیات نموده ايم. در عين حال که کتاب قابل استفاده براى طلاب حوزه هاى علميه است، دانشجويان مقاطع کارشناسى و کارشناسى ارشد رشته هاى حقوق، فقه، علوم قرآن و ... نيز مى توانند از آن بهره مند گردند. براى آشنائى بيشتر با اثر حاضر که در ۱۹ باب، تبويب گردیده است، نکات ذيل شايد توجه است:

- ۱- در هر مبحث، مسأله مورد بحث با مثال‌هایی از قرآن و احادیث تبیین گردیده است.
 - ۲- نموداری کردن بعضی از مطالب با هدف تسهیل یادگیری مخاطبان صورت گرفته است.
 - ۳- ترتیب مباحث براساس ترتیب ابیات منظومه است؛ اگرچه این ترتیب از جهاتی قابل انتقاد است.
 - ۴- در ترجمه آیات قرآن کریم از ترجمه‌ی آیت الله العظمی مکارم شیرازی، استاد بهرام‌پور و استاد فولادوند استفاده شده است.
 - ۵- در نگارش این اثر علاوه بر قواعد مذکور در متن شعر، به نکات و قواعد دیگری که واجد اهمیت بوده نیز ضمن مطالب اشاره شده است.
 - ۶- مطالعه این اثر برای آموختن علم نحو ابدأً کافی نخواهد بود لذا افرادی که به دنبال تسلط بر قواعد نحو هستند باید به کتب عالی و مقدماتی این علم که جامع همه قواعد است مراجعه نمایند.
- در پایان از مسؤلان و دست‌اندرکاران محترم انتشارات چتر دانش و نیز برادر ارجمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین محقق بهمنی که زحماتی را برای اصلاح و ویرایش کتاب متحمل شده‌اند کمال قدردانی و تشکر را دارم.

مجتبی بختیاری

زمستان ۱۳۹۵

منظومه عوامل نحو یرجانی

بعد توحید خداوند و درود مصطفی

نعت آل پاک پیغمبر رسول مجتبی

هست مدح خسرو قاضی معزّ الدین حسین

حامی دین آفتاب معدلت ظلّ اله

بر خلائق واجب و بر بنده زاده فرض عین

چون دعای شاهزاده صبح و شام و سال و ماه

نصرت و فتح و ظفر اقبال جاه و سلطنت

باد باقی هر دو را تا هست امکان بقا

بر دو ضربند این عوامل لفظی و بعض دگر

معنوی می‌دان تو ای خوشطینت و نیکو لقا

باز لفظی بر دو قسم آمد سماعی بعد از آن

قسم ثانی را قیاسی دان تو بی‌سهو و خطا

پس سماعی سیزده نوع است یکدم گوش دار

تا شمارم از برایت ابتدا تا انتها

عامل اندر نحو صد باشد، چنین فرموده است

شیخ عبد القاهر یرجانی آن مرد خدا

زان نود با هشت لفظی و دو عامل معنوی

باز لفظی بر دو قسم است یادگیر این حرفها

نوع اول نوزده حرف‌اند جر میدان یقین

کاندرین یک بیت آمد جمله بی‌چون و چرا

با و تا و کاف و لام و واو مُنذ و مُذ خَلا

رُب حاشا مِن عَدا فی عَن عَلی حَتَّى اِلی

اِن و اَنَّ کَانَ لَیْتَ لَکِنَّ لَعَلَّ

ناصب اسمند و رافع در خبر ضد ما و لا

واو و یا و همزه و آلا آیا و آی هیا

ناصب اسمند این هفت حرف دان ای مقتدا

اَن و نَن پس کی اِذَن این چار حرف معتبر

نصب مستقبل کنند این جمله دایم اقتضا

اِن و لَم لَمَّا و لام امر و لاء نهی هم

پنج حرف جازم فعل‌اند، هر یک بی دغا

مَنْ و ما مَهْمَا و اَی و حَیْثُما اِذ ما مَتی

اَیْثَما اَتی نُه اسم جازمند مر فعل را

ناصب اسم مُنْکَر نوع هشتم چار اسم

هست چون تمییز باشد این مُنْکَر هر کجا

اولین لفظ عشر باشد مُنْکَر با احد

همچنین تا تسعه تسعین شنو این حکم را

باز ثانی کم چه استفهام باشد یا خبر

ثالث ایشان کَافٍ رابع ایشان کَذَا

تُه بُود اسماء افعال وز آن شش ناصبند

دو نك بَلَهَ علیک حَيْهَلْ باشد هَيْتَا

پس رُوَيْدَ باز رافع اسم را هَيْهَاتَ دان

باز سَتَانْ هست و سَرَعَانَ یادگیر این حرفها

نوع عاشر سیزده فعلند کایشان ناقصند

رافع اسمند و ناصب در خبر چون مَا و لَا

كَانَ صَارَ أَصْبَحَ أَمْسَى و أَضْحَى ظَلَّ بَاتَ

مافتی ماانفكَّ مادامَ لیس در قفا

مابَرَحَ مازال افعالی که زاینها مشتقاند

هرکجا یابی همین حکم است در جمله در آ

دیگر افعال تقارب در عمل چون ناصباند

هست اول کَاذَ و ثانی کَرَبَ أَوْشَكَ عَسَى

رافع اسماء جنس افعال مدح و ذم بود

چار باشد نَعَمْ بَيْسَ سَاءَ وانگه حَبَّذَا

دیگر افعال یقین و شک بُود کان بر دو اسم

چون در آید هر یکی منصوب سازد هر دو را

خَلْتُ باشد با زَعَمْتُ پس حَسِبْتُ یا عَلِمْتُ

پس طَنَنْتُ با زَأَيْتُ پس وَجَدْتُ بی خفا

بعد از آن هفت قیاسی اسم فاعل مصدر است

اسم مفعول و مضاف و فعل باشد مطلقاً

پس صفت باشد که او مانند اسم فاعل است

هفتم اسمی کو بُود تمییز را ناصب روا

عامل فعل مضارع معنوی باشد بدان

همچنین عامل خبر را می‌شود هم مبتدا

شد تمام این صد عوامل خوش نظام و خوش نسق

ناظم و بانی و کاتب را بکن هر دم دعا

مروری اجمالی بر عوامل صدگانه

عوامل صدگانه‌ای که در این کتاب مورد بررسی قرار خواهند گرفت، بر دو قسم‌اند: لفظی و معنوی.

قسم اول: عوامل لفظی که بر دو قسم‌اند: سماعی و قیاسی.

عوامل لفظی سماعی، ۹۱ عامل (۱۳ نوع) بوده، و عوامل لفظی قیاسی، ۷ عامل می‌باشند.

قسم دوم: عوامل معنوی که دو عامل می‌باشند.

در ادامه تمامی این صدعامل را به تفکیک معرفی خواهیم نمود.

بخش اول: عوامل لفظی سماعی که ۹۱ عامل هستند، بدین ترتیب می‌باشند:

الف - حروف جر، عمل جر اسم (۱۷ عامل): ۱- باء، ۲- مِن، ۳- اِلَی، ۴- فی، ۵- لام، ۶- رُبَّ، ۷- عَلَی، ۸- عَن، ۹- کَاف، ۱۰- حَتَی، ۱۱- مُذ و مَمْدُ، ۱۲- باء قسم، ۱۳- واو قسم، ۱۴- تاء قسم، ۱۵- حَاشَا، ۱۶- خَلا، ۱۷- عَدا.
ب- حروف مشبه بالفعل (۶ حرف): ۱- اِنَّ، ۲- اَنَّ، ۳- لَکِنَّ، ۴- لَیْتَّ، ۵- لَعَلَّ، ۶- کَأَنَّ.

ج- حروف شبیه به لیس (۲ عامل): ۱- ما (نفی حال)، ۲- لا (نفی مطلقاً)
د- حروف نصب (۷ عامل): ۱- واو معیت، ۲- الا استثناء، ۳- یا نداء، ۴- هِیَا، ۵- اَیَا، ۶- اَی، ۷- همزه مفتوحه (أ).

هـ- حروف نصب فعل مضارع (۴ عامل): ۱- اَن، ۲- لَن، ۳- کَی، ۴- اِذَن.
و- حروف جازم فعل مضارع، جزم یک فعل (۵ عامل): ۱- لَم، ۲- لَمَّا، ۳- اَلم اَمْر، ۴- اَلم نَهَی، ۵- اِن.

ز- اسماء جازم فعل مضارع، جزم دو فعل (۹ عامل): ۱- مَن، ۲- ما، ۳- اَی، ۴- مَتَی، ۵- اِذْما، ۶- مَهْما، ۷- اَیْن، ۸- اَنَی، ۹- حِشْما.

ح- اسماء ناصب اسم نکره بنا بر تمییز (۴ عامل): ۱- عَشْرَة (مرکب با

أحد، إثنين تا تسعة وتسعين)، ۲- کم (استفهامیه و خبریه)، ۳- کأین، ۴- کذا.
ط- اسماء افعال (۶ عامل ناصب): ۱- روید، ۲- بله، ۳- دُونک، ۴- علیک،
۵- ها، ۶- حَيَّهْل، و (۳ عامل رافع): ۱- هیهات ۲- شتان ۳- سَرَعان
ی- افعال ناقصه (۱۳ فعل و عامل): ۱- کان، ۲- صارَ، ۳- أَصْبَحَ، ۴-
أَمْسَى، ۵- أَضْحَى، ۶- ظَلَّ، ۷- باتَّ، ۸- مازال، ۹- مابرح، ۱۰- ما إنفک،
۱۱- مافتی، ۱۲- مادام، ۱۳- لیس.

ک- افعال مقاربه (۴ عامل): ۱- عسی، ۲- کادَ، ۳- کَرَبَ، ۵- أَوْشک.
ل- افعال مدح و ذم (۴ فعل): ۱- نعم، ۲- بئس، ۳- ساء، ۴- حَبْذا.
م- افعال قلوب (۷ عامل): ۱- ظَننت، ۲- حَبِسْتُ، ۳- خَلْتُ، ۴- زَعَمْتُ،
۵- رَأَيْتُ، ۶- وَجَدْتُ، ۷- عَلِمْتُ.

بخش دوم: عوامل لفظی قیاسی نیز ۷ عامل هستند که عبارتند از: ۱-
فعل، ۲- اسم فاعل، ۳- مصدر، ۴- اسم مفعول، ۵- صفت مشبیه، ۶- اسم
مضاف، ۷- اسم مبهم.

بخش سوم: همچنین عوامل معنوی دو مورد هستند که عبارتند از:
۱- عامل مبتدا و خبر، ۲- عامل فعل مضارع.

باب ا: علم صرف و علم نحو

تعریف علم صرف: علمی است که در آن از قواعد مربوط به تغییر صورت و ظاهر کلمه (به طور مستقل و خارج از جمله) بحث می‌شود. کلمه‌ی «رَجُلٌ» (یعنی: مرد) را طبق قواعد علم صرف به «رَجُلَانٌ» و «رَجُلَیْنٌ» (یعنی: دو مرد) و نیز به «رِجَالٌ» (یعنی: مردان) تغییر می‌دهیم و با این تغییرات، علاوه بر ظاهر، معنای آن هم تغییر می‌کند.

پس علم صرف، قواعدِ تغییر ظاهرِ کلمه را به ما می‌آموزد.
(در خارج جمله)

موضوع علم صرف: موضوع این علم، کلمه و تغییرات عارض بر کلمه است.
(تغییرات عارض بر کلمه)

تعریف علم نحو:

تعریف الف: علم نحو قواعدی است که در مورد
(ارتباط کلمات با یکدیگر - کیفیت ساختن جمله - تغییر یا عدم تغییر حرکت آخر کلمات)

به لحاظ اعراب و بناء بحث می‌کند.